



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به همه ی برادران و خواهران عزیز، هم برادران و خواهران شاغل و مسئول در قوه ی قضائیه و هم برادران و خواهران مرتبط با حادثه ی فاجعه آمیز هفتم تیر و خانواده های عزیز شهیدان آن حادثه ی تلخ، خوشامد عرض می کنیم. از بیانات جناب آقای شاهرودی رئیس محترم و عالم و محقق و شخصیت برجسته در قوه ی قضائیه تشکر می کنیم. ایشان بیانات روشنگر و مفیدی را ارائه کردند.

وقتی به حادثه ی هفتم تیر نگاه می کنیم، معنای بزرگی در این واقعه ی تلخ وجود دارد، که با همه ی تلخی، آن معنا شیرین است؛ و آن عبارت است از زنده بودن، پویا بودن، بالنده بودن انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی. درست مصداق این آیه ی شریفه: «ألم تر کیف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اكلها كلّ حین بأذن ربها»؛ این يك مثال قرآنی الهی است که مصداق آن در زمان ما، انقلاب، نظام اسلامی و رهبری است و تجسم آن، امام بزرگوار ماست که اینها زنده اند؛ درخت بالنده ای هستند که ریشه های آن سالم است، در معرض امتحانهای گوناگون قرار می گیرد، دچار مشکلات متعدد و گوناگونی می شود؛ اما بعد از برگ ریزان و بعد از يك خزان، باز طراوت بهارانه ی دیگری به سراغش می آید و میوه می دهد و برگ و بار نشان می دهد و زنده بودن خودش را به همه ثابت می کند. از اول انقلاب تا امروز، ما این قضایا را داشتیم؛ از ترور ناجوانمردانه ی شهید مطهری و بعد چهره های انقلاب؛ ترور آقای هاشمی رفسنجانی، حادثه ی هفتم تیر، حادثه ی شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر مکتبی در يك روز، و حوادث گوناگون و ریز و درشت دیگر. در این بین، حضور نیروهای مخرب با سلاح؛ چه سلاح سیاسی، چه سلاح نظامی علیه مردم، علیه انقلاب بود تا امروز، تا انتخابات بیست و هفت خرداد و سوم تیر. اینها همه نشانه هایی از سلامت این ریشه ی مقدس است که موجب می شود هر فشاری، هر برگ ریزانی، هر خزانی در سر راه آن پیش بیاید، نتواند عظمت و بالندگی این نهال و درخت مقدس را زیر سؤال ببرد. گاهی يك درخت سالم که ریشه هایش سالم و عمیق است، آتش می گیرد؛ اما بعد از آن که آتش فرو نشست، شما می بینید از لابلای گنده های سوخته ی همین درخت، جوانه ی سبز سربلند می کند. چرا؟ چون ریشه، زنده است. گاهی می بینید کسانی به جان این درخت می افتند، شاخ و برگ آن را می زنند، به آن زخم می زنند؛ اما باز می بینید که در موسم خود شکوفه می دهد؛ میوه می دهد؛ برگ و بار می دهد. این، عبرت است. حادثه ی هفتم تیر يك چنین حادثه ای بود. در آن حادثه های درخت را به خیال خودشان آتش زدند. در آن روز شخصیتی مثل شهید بهشتی و شخصیت های برجسته ی دیگر، مدیران بزرگ و کارگزار در نظام نوپای اسلامی، را در يك مجلس به خاک و خون کشیدند؛ عده ای را شهید کردند؛ عده ای جانباز شدند؛ خانواده هایی داغدار شدند؛ دل ملت آتش گرفت - حادثه ی تلخی بود - اما آن حادثه نتوانست این نهال را از پا بیندازد، بلکه آن را پایدارتر هم کرد. عجیب این است که همین کسانی که امروز در دنیا پرچم ضد تروریسم به دست گرفته اند، آن روز وقتی این حادثه اتفاق افتاد، در اظهارات و در خبرها و در موضع گیری هایشان با لبخند تمسخرآمیز پیروزمندانه با ملت ایران روبه رو شدند؛ یعنی دیدید از بین رفتید (!) اما اشتباهشان خیلی زود معلوم شد. البته حوادث دیگر هم تا امروز همین طور بود.

انقلاب زنده است، این اصول زنده است؛ هیچ مانعی ندارد که برگ و بار عوض بشود. خزان هایی در راه است؛ این يك حرکت طبیعی است برای موجودات زنده ی عالم. همیشه ریزش و رویش وجود دارد؛ مهم این است که در کنار ریزش، رویش هم وجود داشته باشد؛ و امروز این جور است. بحمدالله انقلاب علی رغم همه ی تبلیغات، همه ی تخریبها، همه ی ضربه ها، همه ی تهاجم های از اطراف و اکناف - تهاجم سیاسی، فشار اقتصادی، تهاجم فرهنگی - پیشرفت کرده؛ این انقلاب زنده، بانشاط و مشغول پیشرفت است؛ منتها خیلی از افراد ظاهربین نمی فهمند و حقیقت را درک نمی کنند؛ مگر این که حقیقت خودش را با واقعیت سنگین به آنها تحمیل کند؛ و همین جور هم



هست. امروز هم شما نگاه می کنید و می بینید که علی رغم این که مخالفان ملت ایران، دشمنان و توطئه گران ملت ایران، عظمت این ملت و عظمت این حضور سی میلیونی و عظمت این انتخابات را دیدند و در دل خودشان تحقیر شدند، هنوز در زبان حاضر نیستند اعتراف کنند؛ اما واقعیت قضیه این است که این ملت با حرکت خود، با حضور خود، با نشاط خود، بر روی همه ی توطئه ها خط بطلان کشید، بعد از این هم همین جور خواهد بود؛ منتها شرطش ادامه ی تقواست، که تقوا موجب رحمت الهی است. به خودمان مغرور نشویم. مغرور شدن ملتها و مسئولان ملتها همیشه مایه ی سرنگون شدن و سقوط آنها شده است. هیچ کس نگوید «من» کردم. خدای متعال در قرآن با لحن استهزاء آمیز نافذ خود می گوید که قارون گفت: «قال ائما اوتیتنه علی علم عندی»؛ من خودم بودم که با توانایی خودم توانستم به این نقطه برسم! خدای متعال او را در اعماق زمین سرنگون کرد. ما باید تلاش کنیم؛ ما باید مجاهدت کنیم. هیچ ملتی بدون مجاهدت، بدون تلاش، بدون ابتکار، بدون نوآوری، بدون فتح مراحل گوناگون پیشرفت، به جایی نمی رسد؛ اما برکت از خداست، توفیق از خداست و تقوا زاد راه است؛ لذا توصیه ی همه ی پیغمبران تقوا بوده است.

این انتخاباتی که اتفاق افتاد، خیلی حادثه ی بزرگی بود؛ حادثه ی شیرینی بود. این همه از چند ماه قبل علیه این انتخابات در دنیا تبلیغات کردند و امیدشان این بود که بیست درصد مردم شرکت می کنند؛ این را صریحاً گفتند؛ اما این همت را تصور نمی کردند. ما بارها در صحبت های عمومی و علنی، خطاب به سیاست گذاران بلوک های قدرت جهانی می گفتیم به حرف این تحلیل گران غلط اندیش و کج اندیش که شماها را درباره ی وضع ملت ایران گمراه می کنند، گوش ندهید؛ زیرا ملت ایران، این نیست که اینها می گویند. ملت ایران زنده است، ملت ایران مؤمن است، ملت ایران پای بند به مبانی انقلاب است، ملت ایران به دنبال استقلال و به دنبال آرمانهای انقلاب اسلامی و به دنبال عزت ملی و اسلامی خود هست؛ اما اینها باور نمی کردند و با تحلیل های غلط خودشان نسبت به ملت ایران، حرف زدند و تحلیل کردند و تصمیم گرفتند. ملت ایران در این انتخابات خودش را نشان داد. شرکت بالای مردم، قریب سی میلیون؛ و در جمعه ی بعد، بیست و هشت میلیون، حادثه ی عظیمی است که در این کشور اتفاق افتاد؛ حادثه ی بی نظیری است. این عزت ملت ایران است؛ این عظمت ملت ایران است؛ عظمت انقلاب است، که همه باید این عظمت را در دنیا بفهمند و منطق ملت ایران را بشناسند و با این محاسبات، با این مردم حرف بزنند و در مقابل این مردم موضع بگیرند. بنده بار دیگر این عظمت را به این ملت تبریک عرض می کنم. انتخابات بسیار خوبی بود؛ حرکت بسیار عظیمی بود؛ کار بسیار پرافتخاری بود.

با توجه به حضور مسئولان قوه ی قضائیه، این را هم عرض کنم: در خلال این انتخابات، برخی کارهایی انجام گرفت که بنده به عواملی که این کارها را انجام دادند، بدبینم؛ این تخریب هایی که صورت گرفت. بعضی از تخریبها البته از روی بی توجهی بود؛ بعضی از آقایان و نامزدها یا طرفداران آنها با محاسباتی، حرفهایی نسبت به نظام زدند که واقع بینانه نبود؛ خیلی از مثبتات نظام، از کارهای بزرگ نظام نادیده گرفته شد و سیاه نمایی شد. و پیشرفتهای عظیمی که به وسیله ی دولتها در این سالها به وجود آمده، ندیده گرفته شد؛ اینها از روی غفلت بود، لیکن بعضی از این تخریبها از روی غفلت نبود. تعدادی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری مورد تخریب قرار گرفتند؛ تخریبهای غیر منصفانه و ناجوانمردانه؛ حتی شخصیت موجهی مثل آقای هاشمی رفسنجانی که شخصیت محترم و باسابقه ای است، از دم این تخریبها در امان نماند. این، حادثه ی بدی بود. رحمت الهی را نباید با این گونه کارها آلوده کرد؛ با این که ما تأکید کرده بودیم. امروز چون گذشته است، من نصیحت می کنم؛ اما مسئولان قضایی و غیر قضایی، غیر از نصیحت، وظایف دیگر هم دارند؛ آنها عوامل این تخریبها را تعقیب کنند و آنها را پیدا کنند. يك عده به طور مسلم از روی جهالت و غفلت این کار را کردند، که البته فعل حرامی انجام گرفت؛ لیکن بسیاری از کارهایی که انجام گرفت، کار کسانی بود که به هیچ يك از نامزدها علاقه ای نداشتند و تخریب آنها برای تخریب فضای انتخابات انجام گرفت؛ آنها تخریب کردند، برای زیر سؤال بردن نظام اسلامی. ما در اختلافات بزرگ مذهبی، فکری، سیاسی دیده ایم که کسانی وارد میدان فتنه انگیزی می شوند و از زبان این، آن را می کوبند؛ از زبان آن، این را می کوبند؛ در حالی که نه به این علاقه دارند، نه به آن! اینها را پیدا کنید؛ مقصران اصلی بایستی مشخص شوند، که مطمئناً دست دشمن



در کار است. بعضی اظهارات، متأسفانه عزیزترین قشرهای این کشور، جوانان مؤمن و بسیجی، را زیر سؤال برد! این جور نیست، بلکه دستهای دشمن است که در کار است برای فتنه انگیزی و برای ایجاد فساد.

این ملت، ملت مؤمن و ملت پای بند به عدالت و تشنه ی عدالت است. سالها و قرنهای متمادی عدالت در این کشور سرکوب شده است. در دوران حکومتهای جبار پادشاهان، بخصوص آن وقتی که در کنار استبداد، نیروی خارجی و نفوذ خارجی هم وارد شد و دخالت خارجی با دیکتاتوری و استبداد توأم شد، این مردم چه ها کشیدند از توأم شدن این دو نیروی شرّ و شیطانی در کشور ما. مردم تشنه ی عدالتند، تشنه ی حقیقتند، دشمن فسادند؛ مردم اینها را می خواهند و آرا و شعارهای مردم هم همین را نشان می دهد. ما وظیفه داریم در این زمینه ها کار کنیم. مسئولان کشور باید آنچه را که مورد نیاز این ملت هست، بفهمند و درک کنند و آن را انجام بدهند.

قوه ی قضائیه یکی از آن مراکزی است که مردم بشدت برای استقرار عدالت به آن چشم دارند. آنچه انجام گرفته است، ارزشمند - برنامه هایی که بیان شده است؛ و امروز هم فرمودند - و با ارزش است؛ اما اینها باید در مقام عمل خودش را نشان بدهد؛ باید خروجی و نتیجه ی قوه ی قضائیه، احساس آرامش و امنیت برای مردم باشد.

یک بار من در یکی از دیدارهای گذشته به شما برادران و خواهرانی که تشریف داشتید، عرض کردم که باید جوری بشود که هر مظلومی، هر صاحب حقی، هر کسی که معتقد است حق او تضییع شده، به مجرد این که مورد ستم قرار گرفت، در دل خود بگوید که من حالا به دستگاه قضایی مراجعه می کنم و حق خودم را خواهم گرفت؛ این اطمینان باید در دل انسانها و افراد جامعه موج بزند؛ این باید به جود بیاید؛ ما این را احتیاج داریم.

دادگستری جمهوری اسلامی باید به معنای حقیقی، دادگستر باشد. این کارها را در این روند، جهت دهی کنید و برنامه ها را زود پیش ببرید. این برنامه ای که سال گذشته هم مطرح شد، ما هم مطرح کردیم، بعد هم تدوین شد، هر چه سریع تر پیش برود.

مسئله ی پرورش عناصر فعال در قوه ی قضائیه - به قول شما کادرسازی - باید جدی گرفته بشود؛ گسترش علم و آگاهی هم در میان تمام سطوح قوه ی قضائیه بسیار مهم است. من به رئیس محترم قوه عرض کردم که فاصله ی بین بعضی از آرای دادگاه های بدوی یا تجدیدنظر قبل از رفتن به دیوان عالی کشور، و آرای که نسبت به همین پرونده بعد از نقض در دیوان عالی کشور است، فاصله ی عجیبی است؛ گاهی بین این، دو تا رأی هست! دو دادگاه که هر دو وابسته به یک دستگاه هستند؛ یکی شدیدترین حکم را داده و مجازات را معین کرده است، یکی تبرئه کرده! فاصله ی اینها خیلی زیاد است. این، ناشی از چیست؟ کی در این بین اشتباه کرده؟ آن هم اشتباهی به این فاحشی. بالأخره بعد از آن که حکم نقض شد، ممکن است مقداری بالا پایین برود، اما این که این مقدار فاصله باشد، این نشانه ی این است که ما احتیاج داریم به گستردن دانش قضایی در همه ی سطوح.

نکته ی دیگر، التزام به قانون است. قوه ی قضائیه بایستی از نظارت قانون استقبال کند. قانون، یکی از ابزار نظارت است. خود قانون یک عامل نهاده شده ی در داخل قوه ی قضائیه است که برای نظارت بر قوه ی قضائیه، عامل بسیار مهم و مؤثری است. معیار، قانون باشد و قوانین نقض نشود؛ تخصیص نخورد؛ تقیید نخورد؛ از گستره ی قانون به دلایل گوناگون چیزی حذف نشود. به هر حال، قوه ی قضائیه باید هر گونه نظارتی را استقبال کند. خوشبختانه شما از مسئول عالم، دانا، هوشمند و مجموعه ی بسیار خوبی از قضات شریف، پاک دامن، عناصر مؤمن در قوه ی قضائیه برخوردار هستید. هر چه که نظارت بشود، هر چه که اظهار نظر بشود، حتی انتقاد منصفانه، باید مورد استقبال قرار بگیرد. این، خیلی خوب است. آن را که حساب پاک است - چه در زمینه های مالی، چه در زمینه های غیرمالی - از محاسبه باکی نیست. بگذارید عناصر مقرر برای این کار؛ مثل سازمان بازرسی و سازمانهای گوناگون نظارتی و همچنین عناصر بیرون از دستگاه قضایی؛ مثل صاحب نظران حوزه و دانشگاه، حقوق دانان کشور، اعلام نظر کنند، پیشنهاد کنند، انتقاد کنند؛ اینها قوه ی قضائیه را تقویت می کند و قوه ی قضائیه را ورز می دهد. بحمدالله ارکان قوه ی قضائیه ارکان خوبی است؛ پایه ی آن پایه ی بسیار خوبی است و برخاسته و پدید آمده از ریشه ی مقدس نظام جمهوری اسلامی و متکی به احکام اسلامی است و از چیزی باکی ندارد و قوه ی مستحکمی است؛ هر چه بیشتر با آن چالش قانونی، چالش نظارتی انجام بگیرد، برای او بهتر است و موجب ورزیده تر شدن آن خواهد شد.



به كمك الهی باید چشم داشته باشیم ؛ از كمك الهی مأیوس نشویم ؛ توفیقات الهی را قدر بدانیم ؛ توجهات حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) را مغتنم بشماریم و بدانیم که اساس این انقلاب و خون مطهر شهیدانی که در راه آبیاری این ریشه ی مقدس ریخته شده است، دستگاه بسیار باعظمتی درست کرده که هیچ طوفانی به فضل الهی قادر به تکان دادن و متزلزل کردن آن نیست.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته